

بزرگ‌ترین خانه تاریخی مشهد که قرار بود ۲سال پیش، پس از توافق میراث فرهنگی و مالکان بازسازی شود، دیروز ویران شد

عاقبت «کوزه کنانی» شکست

گروه تاریخ و هویت

بخش بزرگی از خانه تاریخی کوزه کنانی تخریب شد. به گزارش شهرا را، خانه کوزه کنانی که عنوان بزرگ‌ترین خانه تاریخی مشهد را در توصیف خود دارد و یادگار دوره قاجار است، دیروز بخشی از نما و بنای خود را از دست داد. این

● تخریب خانه کوزه‌کنانی از شایعه تا واقعیت



ماجرا از این قرار است که حدود ۲سال پیش، پخش شایعه تخریب خانه کوزه‌کنانی، که اکنون از نظر وسعت بزرگ‌ترین خانه تاریخی مشهد است، در فضای مجازی دست‌به‌دست شد و حواس میراث‌دوستان را به سرنوشت این خانه جلب کرد.
اواخر آذرماه ۱۳۹۷ بود که نخستین گزارش را درباره وضعیت این خانه چاپ و منتشر کردیم. آن روزها گفت‌وویی با مالکان این خانه انجام دادیم، مالکانی که جمعی از اهالی خمینی‌شهر اصفهان هستند و سال‌هاست با نصب تابلو «حسینیه فروشانی‌ها» از این مکان با عنوان زائرانو استفاده می‌کنند. خانه‌ای که در سال ۸۲ثبت‌ملی شد، اما ۶سال بعد در پی اعتراض صاحبان به این امر از ثبت خارج شد. آن‌ها مدعی بودند که میراث این خانه را بدون اطلاع مالکانش ثبت‌ملی کرده و حق دخل‌وتصرف در بنا را از آنان گرفته است، درحالی‌که فرسودگی بنا موجب شده بود خانه استحکام لازم برای استفاده به‌عنوان زائرسرا را نداشته باشد. همان روزها حیدرعلی پیمانی، رئیس هیئت‌امای حسینیه فروشانی‌های خمینی‌شهر، به شایعه پخش‌شده اعتراض و تأکید کرد که قصد تخریب ندارند و حاضرند در صورتی که میراث فرهنگی شرایطی را فراهم کند که آنان بتوانند همچنان کاربری فعلی بنا را حفظ کنند، دخل‌وتصرفی در نما و بنای خانه نداشته باشند. این امر به‌دلیل مترآز زیاد و وسعت زمین و محوطه بنا ممکن بود و میراث هم توافق خود را با این موضوع اعلام کرد.

● طرحی برای بازسازی و حفظ بنا ارائه شود!

در ادامه قرار شد یک کارشناس آثار تاریخی و مهندس معمار، با نظارت میراث فرهنگی طرحی

رخشماقی شماره ۱۳



عکس: شهرا را



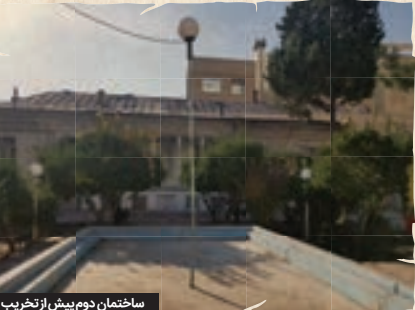
گزارش که زمستان همان سال چاپ و منتشر شد، ۲طرف در جلسه‌ای که با حضور دکتر محمدحسن طالبعیان، معاون میراث فرهنگی کشور؛ ترابی، معاون گردشگری و زیارت استانداری؛ مکرمی‌فر، مدیرکل میراث فرهنگی و گردشگری خراسان‌رضوی؛ و اکبری، معاون میراث فرهنگی خراسان‌رضوی؛ برگزار شده بود، توافق کردند خانه را برپایه طرحی که قرار شد دکترعبدا... جبل عاملی، معمار و مرمتگر آثار تاریخی، ارائه می‌کند، بازسازی کنند. حیدرعلی پیمانی در این جلسه گفت که اگر میراث فرهنگی اجازه دهد، بدون هیچ چشمداشت مالی، خود مالکان بنا حاضرند ملک را طوری بسازند که بخش میراثی آن (حتی به‌صورت پیشروی زیرزمینی و با مشورت معماران و مهندسان خبره به‌عنوان ناظران بر ساخت‌وساز) برای اسکان زائران خمینی‌شهر بسازند. طالبعیان هم تأکید کرد بر سر آنچه دکتر جبل عاملی ارائه می‌کند، توافق دارند. چندی بعد طرحی با نظارت جبل عاملی تهیه شد. در این طرح بخشی از زمین بنا که میراثی محسوب نمی‌شد به زائرسرا و آشپزخانه اختصاص پیدا کرده بود و بنای تاریخی خانه که شامل ۲ساختمان قاجاری در ۲طرف حیاط می‌شد، مرمت و حفظ می‌شد.

● ۱سال گذشت و کوزه‌کنانی خراب‌تر شد

میراث هم به‌ظاهر پای کار بسود، اما بعد از این توافق، هیچ تغییری در وضعیت خانه کوزه‌کنانی، که روزبه‌روز فرسوده‌تر می‌شد، ایجاد نشد و هیچ‌یک از ۲طرف‌اقدامی انجام ندادند. سال گذشته اتفاق دیگری بنای خانه را در خطر تخریب قرار داد: «زمستان ۹۸ زمین جلو در خانه از سمت کوچه «اسیدجواد سیستانی» نشست کرد. دلیل این نشست



حاج کاظم کوزه‌کنانی، تاجر بنام شهر مشهد، اصالتا اهل کوزه‌کنان آذربایجان و از تبار حاج‌مهدی کوزه‌کنانی، از مشاهیر مشروطه‌خواه تبریز، بوده است. وی تاجر تنباکو بوده و با کشور شوروی، شهر عشق‌آباد به تجارت می‌پرداخته است. گفتنی است خانه‌ای به نام کوزه‌کنانی در تبریز، پس از مرمت و احیا موزه مشروطه شده است.



۱۵۰سال / دوره قاجار	قدمت
خیابان خسروی نو کوچه شوکت‌الدوله، کوچه پنجه	نشانی
سال ثبت در فهرست آثار ملی	۸۲
سال خروج از فهرست آثار ملی	۸۸
مساحت خانه (متر مربع)	۲۶۰۰
تعداد اتاق‌ها	۴۵
فاصله تا حرم مطهر امام‌رضا(ع)	۳۰متر

مالک فعلی	حسینیه فروشانی‌های خمینی‌شهر
کاربری فعلی	حسینیه (به‌عنوان زائرسرا هم استفاده می‌شود)

درباره حاج کاظم کوزه‌کنانی

خانه کوزه‌کنانی چشم‌رضاشاه را هم می‌گیرد!

چندین سال قبل از وقایع شهریور ۱۳۲۰ رضاشاه به مشهد آمده بود. او به منزل حاج‌کاظم کوزه‌کنانی رفت و او هم ناچار از پذیرایی بود. چند روزی از توقف شاه به مشهد گذشت. یک روز رضاشاه با همراهان خود، که کوزه‌کنانی هم در ردیف آن‌ها بود، در باغ مشغول گردش بود. وی که از ساختمان آنجا خوشش آمده بود، گفت: «حاجی عمارت قشنگی داری؛ من واقعا از آن خوشم آمده!» عرض از این تمجید این بود که کوزه‌کنانی فوری بگوید: «علیحضرت قابلی ندارد پیشکش می‌کنم!» ولی حاجی کاظم که از زندان دهر بود، در پاسخ شاه گفت: «فربان! جان‌نثار خیلی زحمت کشیده تا موردنظر همایونی واقع شده است!» ادای این جمله مثل آبی بود که روی آتش احساسات شاه ریختند و او فهمید که تیرش به سنگ خورده است!

روزنامه شهرا امید روزنامه

روزنامه شهرا امید روزنامه

روزنامه شهرا امید روزنامه

روزنامه شهرا امید روزنامه

تاریخ و هویت

حکایت حاکم بغداد در مشهد

بازخوانی تاریخ دفن هارون الرشید و بنای هارونیه در توس



هما سعادتمند

h.saadatmand@shahraranews.ir

پادشاه قصه‌هایی که شهرزاد در «هزارویک‌شب» روایت می‌کند، در واقع خلیفهای است که نامش را می‌توان در متون تاریخی هم بسیار دید و خواند؛ هارون الرشید، در مشهد او را با بنای «هارونیه» یا «زندان هارون» می‌شناسند که در خاک توس و در یک کیلومتری آرامگاه فردوسی قرار دارد، اما کمتر کسی می‌داند که او در حرم مطهر رضوی، درست در کنار ضریح حضرت‌رضاع(ع) و پیش از ایشان در این مکان دفن شده‌است. سالروز در گذشت او در ۱۸ فروردین ۱۸۸۰ سبب نوشتن از او و بنای منسوب به اوست.

● **هارون الرشید در حرم**

به روایت تاریخ، هارون الرشید که مرکز خلافتش در شهر بغداد بوده است، در یکی از لشکرکشی‌های خود به سناباد بیمار می‌شود، از دنیا می‌رود و در همین دیار نیز به خاک سپرده می‌شود. «جریر طبری» در بیان حوادث سال ۹۳ اقمری می‌نویسد: «در ماه صفر این سال، هارون به گرگان رسید و در آنجا خزانه‌های علی‌بن عیسی را که ۵۰۰ شتر بود، نزد او آوردند. پس از آن چنان که گفته‌اند، در ماه صفر از گرگان به‌حال بیماری، سوی توس حرکت کرد و همچنان سفر بود تا گذشت.» مهدی سیدی، مشهدپژوه، درباره مقبره هارون الرشید می‌گوید: «بقعه هارونی، یعنی بنای قبر هارون الرشید، درواقع همان بقعه مطهری است که اکنون ضریح حضرت‌رضاع(ع) در میان آن قرار دارد. این بقعه که بنایی تقریباً ۱۰در ۱۰متری است، پس از مرگ خلیفه‌احداث شده، بنابراین به بقعه هارونی شهرت داشته است. ۱۰سال پس از مرگ هارون‌الرشید، حضرت‌رضاع(ع) به‌شهادت می‌رسد و در کنار هارون و در داخل بقعه هارونی به خاک سپرده می‌شود. بقعه مزبور پس از این به‌دلیل وجود مزار حضرت‌رضاع(ع)، کم‌کم به مشهدالرضاع(ع) و مشهد تبدیل می‌شود، آن‌چنان که دیگر نام هارون را یانه‌های رود.» به‌گفته‌سیدی، جسد هارون درست‌وسط این مقبره قرار دارد و بیکر حضرت‌رضاع(ع) رانیز در بالاسر هارون و حاشیه غربی آن دفن کرده‌اند. گویا پس از آنکه نخستین ضریح‌بزرگ را بر روی قبر حضرت(ع) نصب می‌کنند، فاصله بالاسر ضریح تادیوار غربی بقعه بسیار باریک می‌شود، برای همین زائران هنگام عبور از آن قسمت به زحمت می‌افتادند و بر هارون الرشید لعنت می‌فرستادند تا اینکه در سده حاضر، دیوار بقعه را از قسمت بالاسر توسعه می‌دهند و این معضل تا حدودی رفع می‌شود.

● **هارونیه: زندان، مسجد یا مدرسه؟**

اما بنایی که هم جوار فردوسی، قرن‌هاست قامت راست کرده است، چیست و چرا به هارونیه مشهور است؟ برابر اسناد تاریخی، هارون‌الرشید تا اوایل سده هفتم قمری دارای ضریعی مشخص در وسط بقعه مطهر بوده، اما از آن پس، به‌ظاهر ضریح بر داشته شده‌است. وجود پیکر حضرت‌رضاع(ع) در قرون پس از آن هم سبب فراموشی نام و بقعه هارونی می‌شود تا اینکه در اوایل سده حاضر گروهی که در جست‌وجوی مقبره هارون در ولایت توس بودند، بنای ناشناخته‌ای را که این روزها هارونیه‌نام دارد، در شهر تابران توس می‌پینند و به‌استیاب گمان می‌کنند که این بنا همان مقبره هارون است. داستان‌های بسیاری درباره این بنا نقل شده، آن‌چنان که به زندان هارون و محل شکنجه‌شدن امام موسی کاظم(ع) هم معروف است. برخی آن را مدرسه، عده‌ای خانقاه و تعدادی نیز این بنا را مسجدی می‌دانند که بعد از تصرف ایران توسط مسلمانان بر روی آتشکده‌های ساسانی ساخته شده‌است. در سال ۱۳۵۴خورشیدی کاوش‌هایی در داخل بنا انجام شده‌است که نشان می‌دهد بنای هارونیه در دوره هارون به‌صورت یک بنای منفرد تقریباً در وسط شهر تابران توس قرار دارد تا پیش از دوره قاجار تنها نبوده و در پیرامون خود آثار معماری دیگری از جمله یک قلعه چهاربرجی داشته‌است. توصیف این بنا فقط در کاوش‌ها خلاصه نمی‌شود و رد آن را می‌توان در سفرنامه جهانگردان بسیاری دید که یا‌یشان به خاک‌توس رسیده است. برای نمونه در دوره قاجار «جیمز بیلی فریزر» نخستین‌ان‌بدون ذکر نامی مشخص از این بنا، آن را بزرگ‌ترین بنای توس توصیف می‌کند. «خانکیف» نیز در سفرنامه خود نام آن را «مسجد خرابه» می‌نویسد، اما نوشته‌های «وی‌پی» و «هائری رنه‌دالمانی» ۲سیاهی که به‌ترتیب در سال‌های ۱۲۴۸ و ۱۲۵۹خورشیدی از این بنا دیدن کرده‌اند، مشخص می‌کند که هارونیه در آن دوران به نقاره‌خانه معروف بوده‌است.

همچنین «دوارد پیست» در بازدید از بنای هارونیه که بین سال‌های ۱۲۷۲ تا ۱۲۷۶ خورشیدی اتفاق افتاده‌است، می‌نویسد که مشخص نیست کاربری این بنا چه بوده‌است، ولی «سایکس» که در دهه نخست سده بیستم به هارونیه رفته‌است، بر این نکته تأکید می‌کند که این بنا نام‌های مختلفی مانند گنبد، مزار، قصر و قلعه دارد. «حسین کوهستانی» و «علی زارعی» در پژوهشی درباره بنای هارونیه می‌نویسند: «هارونیه درواقع بنایی است که در سده‌های قمری و در دوره حکومت شیعه‌مذهب سر به‌داران برای دفن یکی از شیوخ و درویش گمنام این سلسله ساخته شده‌است، اما کشمکش‌های سیاسی و رقابت‌های قدرت‌طلبانه و سقوط زود هنگام سر به‌داران منجر به ناتمام‌ماندن بنا می‌شود و پس از مدتی نیز نشانه‌های تاریخی و مذهبی آن از سوی حکومت‌های بعد از بین می‌رود تا اینکه به‌مرور در افواه عوام و بدون هیچ گونه پشتوانه تاریخی، هارونیه‌نام می‌گیرد.» ناگفته‌نماند یکی از فرضیه‌های پذیرفتنی نزد شماری از محققان این است که هارونیه همان خانقاه یا مقبره امام محمد غزالی است. با فرض پذیرش این کارکرد، تاریخچه ساخت بنا به سال‌های حیات امام محمد غزالی (۴۵۰ تا ۵۵۰قمری) یعنی دوران حکومت سلجوقیان بازمی‌گردد. با بررسی نوشته‌ها و نظرهای جهانگردان دوره قاجار متوجه می‌شویم هیچ کدام از آن‌ها از این بنا به‌عنوان مقبره غزالی نام نبرده‌اند، اما با توجه به اینکه احیاحان و شخصیت‌های پیشین از جمله ابن‌بطوطه، حافظ ابرو و فضل...خنجی از وجود مقبره غزالی در توس سخن گفته‌اند، عده‌ای در دوران معاصر به آن استناد کرده‌اند.